

خط زرد

هشدارهای پلیس درباره پیشگیری از سرقت در معابر و اماکن عمومی

- هنگام توقف قطار برای ادای فریضه نماز حتماً یکی از همراهان خود را برای محافظت از وسایل تان در کوبه بگمارید.
- به هنگام استراحت از قرار دادن کیف پول و اموال قیمتی خود در جای مطمئن قطار اطمینان حاصل کنید.
- از گرفتن چک پول و خرد کردن آن برای دیگران در طول سفر خودداری کنید.
- در حین سفر از باز کردن اطلاعات فردی و خانوادگی خود نظیر نشانی محل سکونت و... امتناع کنید.
- در طول سفر از طرح دوستی با افراد ناشناس جدا خودداری کنید.
- رمز شخصی کارت عابر بانک خود را به خاطر بسپارید و از افشا کردن آن جدا بپرهیزید.
- برای انتخاب رمز، از تاریخ تولد، شماره تلفن یا دیگر اعداد محرمانه شخصی استفاده نکنید.
- از در اختیار گذاشتن کارت عابر بانک خود نزد دیگران جدا خودداری کنید.
- در حین استفاده از دستگاه خودپرداز بانک به نحوی عمل کنید که دیگران از رمز شما آگاه نشوند.
- پس از استفاده از دستگاه خودپرداز بانک وجوه خود را برداشته و زمان دیگری آن را بشمارید.
- هرگز قبض را روی دستگاه خودپرداز باقی نگذارید.
- چنان چه کارت عابر بانک شما مفقود شد بلافاصله مراتب را به بانک مربوط اطلاع دهید.
- در حین صحبت در معابر و اماکن عمومی با خانواده و دوستان و فامیل مراقب باشید هر حرفی را به زبان نیاورید. ممکن است افراد رهگذر و ناشناس از اسرار شخصی و محرمانه شما سوء استفاده کنند.
- از آراستن فرزندان خردسال خود به طلا و جواهر و رها کردن آنان در معابر و کوچه ها جدا خودداری کنید.

سر هنگ بوستانی
رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی



قاتل جوان در بازسازی صحنه جنایت اعتراف کرد



متهم در حال بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی میرزایی

سجادپور - جوان ۲۱ ساله ای که مراسم آشتی کنان را به خون کشید، در بازسازی صحنه جنایت مدعی شد که سلمان (مقتول) در مراسم آشتی کنان، قصد داشت با چاقو به من حمله کند! به گزارش اختصاصی خراسان، باورود خودروهای پلیس به روستای «درآبد» در حاشیه شهر مشهد، خبر بازسازی صحنه قتل «سلمان» در میان اهالی روستا پیچید. دقایقی بعد تعدادی از اهالی در اطراف میدان روستا (محل وقوع جنایت) تجمع کردند تا شاهد اظهارات و اعترافات قاتلی باشند که هشتم شهریور مراسم آشتی کنان را به خون کشید و جوان ۲۷ ساله ای به نام سلمان معروف به حمید را با ضربات چاقو به قتل رساند. در حالی که متهم به قتل در یکی از خودروهای پلیس به آینده سیاه خود می اندیشید کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی نوار زرد رنگ (ورود به صحنه جرم ممنوع) را به تیر چراغ راهنمایی بستند و نیروهای محافظ صحنه نیز در پشت نوار قرار گرفتند. چند دقیقه بعد و با ورود خودروی شاسی بلند حامل قاضی ویژه قتل عمد به میدان روستا، نیروهای انتظامی به احترام قاضی کاظم میرزایی خبردار ایستادند و ایمن گونه با دستور مقام قضایی بازسازی صحنه جنایت آغاز شد. بنابر گزارش خراسان، با اشاره

سر هنگ بهرام زاده (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی خراسان رضوی) محمد معروف به جواد (متهم به قتل) در حالی که حلقه های فولادین قانون دستانش را می فشرد مقابل دور بین قوه قضاییه قرار گرفت. ابتدا کارآگاه نجفی (افسر پرونده) به تشریح خلاصه ای از محتویات این پرونده جنایی پرداخت و با اشاره به بخشی از اعترافات صریح متهم در مراحل بازجویی، چگونگی دستگیری وی را نیز شرح داد. در ادامه بازسازی صحنه قتل، با تفهیم مواد قانونی به متهم که مواظب اظهارات خود باشد و حقیقت ماجرا را بیاین کند، این جوان ۲۱ ساله با بغضی در گلو به شرح ماجرای وحشتناک قتل پرداخت و گفت: صبح روز پنج شنبه بود که سلمان و چند نفر از دوستانش به محل کارم آمدند و با این بهانه که چرا این گونه خیره نگاه می کنی! مرا به باد کتک گرفتند البته کینه ای ها به حدود دو سال قبل بازمی گشت که در یک مراسم ختم در روستا و به خاطر برداشتن مقداری آب از شیر لوله کشی، مشاجره و نزاعی بین ما در گرفت و آن ها کینه آن روز را به دل گرفته بودند! متهم این پرونده جنایی ادامه داد: آن روز صبح آن ها مرا کتک زدند و فرار کردند اما وقتی من به روستا باز گشتم و موضوع را برای علی (یکی از دوستان متهم) تعریف کردم او تصمیم گرفت تا به خاطر رفاقتی که با سلمان داشت ما را با هم آشتی بدهد. اگر چه

آشتی کنان مرگبار!

چاقو را به شکل کلنگی بالا بردم و بر شانه او فرود آوردم و ضربات دیگری نیز در حین نزاع به او دم وقتی سلمان روی زمین افتاد در حال فرار از روستا دیدم اهالی در تعقیب من هستند به جاده خروجی روستا رسیده بودم که یکی از دوستانم مرا با موتور سیکلت به روستای فرخدر آن سوی جاده کلات برد پیاده کرد. آن لحظه به خانه رفتم ولی می دانستم که پلیس به سراغم می آید به همین دلیل خانه ای خالی از سکنه را که در قسمت از روستا قرار داشت به عنوان مخفیگاه انتخاب کردم و در آن جانیها ن شدم ولی هنوز هوار روشن نشده بود که سروصدایی شنیدم و چشمانم را باز کردم. وقتی قاضی و کارآگاهان اداره جنایی را بالای سرم دیدم تازه رفتمیدم که دیگر هیچ راه گریزی ندارم! ولی آن به شدت پشیمانم که چرا بچگی کردم و به خاطر هیچ، آدم کشتم!

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است: با اعترافات صریح متهم، قاضی کاظم میرزایی دستور پایان بازسازی صحنه جنایت را صادر کرد و این گونه متهم این پرونده جنایی نیز باقرار بازداشت موقت راهی زندان شد تا سال های جوانی اش را با کابوس قصاص نفس پشت میله های زندان بگذراند.

سابقه خبر

مقام قضایی بیانگر آن بود که آپاچی سوار جوانی که در ورودی روستای محل نزاع حضور داشت، متهم به قتل را فراری داده است بنابر این گروهی از نیروهای نظامی و کارآگاهان دایره جنایی آگاهی به ردیابی متهم فراری پرداختند تا این که متهم مذکور در یکی از منازل خالی از سکنه در روستای «فرخه» به دام افتاد. این جوان ۲۱ ساله که محمد نام دارد و به جواد معروف است در اعترافات خود بهوار آوردن ضربات مرگبار به «سلمان» اقرار کرد.

عقربه های ساعت از نیمه شب هشتم شهریور گذشته بود که صدای زنگ تلفن همراه، خواب را از چشمان قاضی ویژه قتل عمد مشهور بود و خبر جنایتی هولناک در روستای «درآبد» اورا به محل جنایت کشاند. شاهدان عینی از دو جوان موتور سوار سخن گفتند که با چاقو وارد میدان روستا شده اند تا اختلافات قبلی خود پای یکی از جوانان روستا را حل و پا هم آشتی کنند، اما در نهایت مشاجره لفظی آنان به نزاعی مرگبار تبدیل شده است! گزارش ها حاکی است: بررسی های شبانه

پلیس پرونده باند دزدان موتور سیکلت را بست

با مقام قضایی، سرانجام پس از چندین روز تلاش شبانه روزی اعضای یک باند چهار نفره را شناسایی کردند. این مسئول نظامی تصریح کرد: در ابتدایکی از سارقان در حال انتقال یک دستگاه موتور سیکلت سرقتی توسط مأموران دستگیر شد، که در بازجویی های تخصصی پلیس، به هفت فقره سرقت موتور سیکلت با همدستی سه نفر دیگر اعتراف کرد. وی خاطر نشان کرد: ماموران طی یک عملیات ضربتی سه متهم دیگر پرونده را نیز که در حال اوراق موتور سیکلت های مسروقه در مخفیگاه شان در روستا های اطراف بودند، دستگیر و متهمان را به همراه اموال مسروقه برای تحقیقات بیشتر به مقر انتظامی منتقل کردند، که بررسی های بیشتر در باره سرقت های احتمالی دیگر این باند همچنان ادامه دارد.

مرگ دلخراش ۲ کودک در سانحه رانندگی

راننده کامیون گزارش کردند، فرمانده انتظامی "کهنوج" نیز گفت: بر اثر برخورد یک دستگاه پژو ۴۰۵ با یک عابر پیاده در محور "کهنوج- رودان" یک دختر بچه جان باخت. سرهنگ "بهرامی" با اشاره به دریافت خبری مبنی بر وقوع حادثه رانندگی در محور "کهنوج- رودان" افزود: با حضور ماموران در حدفاصل روستای "کوتک" این محور مشخص شد یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ با یک دختر بچه که در حال عبور از خیابان بوده بر خورد کرده که زخمی شده است. وی اظهار کرد: مصدوم حادثه در مرکز درمانی جان باخت.

حادثه در قاب



روز گذشته آتش سوزی طبقه اول یک مجتمع مسکونی در بولوار هفت تیر مشهد اطفاء شد. آتش نشانان ۱۵ نفر از ساکنان این مجتمع ۵ طبقه را از میان دود و آتش نجات دادند

در امتداد تاریکی

راه نفوذ!

می خواهیم به زنان مطلقه بگوییم اگر قصد ازدواج برای بار دوم را دارند حداقل آشیانه یک زن دیگر را نابود نکنند چرا که بنای یک زندگی با متلاشی شدن یک زندگی دیگر عاقبتی جز آه و نفرین در پی نخواهد داشت همان گونه که زنی آشیانه مرا خراب کرد و فرزند آن کوچکم بی پناه شدند اکنون...

زن ۳۷ ساله که دادخواست طلاق را در دست داشت با بیان این که یک زن مطلقه با پول هایش آشیانه کوچک مرا به هم ریخت در باره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: سه سال بعد از آن که تحصیلاتم در مقطع دبیرستان به پایان رسید با «سوشا» ازدواج کردم. او جوانی بازاری بود و در زمینه فروش صنایع چوبی فعالیت می کرد. دوران نامزدی ما دو سال طول کشید و در این مدت علاقه ما به یکدیگر صد چندان شد به طوری که «سوشا» همه زندگی من بود. او هم مرا خیلی دوست داشت و همه تلاش خود را به کار می گرفت تا کمبودی در زندگی ام احساس نکنم شش سال از آغاز زندگی مشترک ما می گذشت و من بهترین روزهای عمرم را سپری می کردم زمانی که پسر اولم را بار دار بودم سوشا لحظه ای از کنارم جدا نمی شد و مرا نزد بهترین پزشکان می برد و همواره نگران حال من بود مسافرت های زیادی می رفتم و خوشی های زیادی را تجربه می کردم اما در این میان نمی توانستم محبت های او را جبران کنم من در یک خانواده سنتی و مذهبی بزرگ شده بودم و از انجام بسیاری از اموری که همسرم دوست داشت خودداری می کردم به طوری که حتی با حالت قهر و به یک بهانه واهی برای مدتی به خانه پدرم می رفتم چرا که فرزند طلاق بودم و از کمبود محبت بسیار رنج می بردم دوست نداشتم برخی از امور زندگی خصوصی و خانوادگی را انجام بدهم.

جالب آن که پدر و نامادری ام نیز همواره از من طر فدار می می کردند و حق را به من می دادند این رفتار ها آن قدر سوشا را دلسرد کرد که به لجبازی با من روی آورد و برای آزار و اذیت من به سوی زن مطلقه ای گرایش پیدا کرد که ۱۱ سال از خودش بزرگ تر بود از روزی که سروکله «نادیا» در زندگی من پیدا شد سر نوشت من و فرزندم نیز به گونه دیگری رقم خورد اگر چه همسرم بار ها می گفت: من یک تار موی تو را با صد نفر مانند نادیا عوض نمی کنم اما آن زن با پول هایش شوهرم را در مشقت خودش گرفته بود با این حال مادر شوهرم مرا خیلی دوست داشت و هیچ گاه روز تولد یا سالگرد ازدواج مرا فراموش نمی کرد از زمانی که من و سوشا برای چند سال در خانه پدر شوهرم زندگی می کردیم ماجرای ازدواج موقت سوشا و نادیا لورفت.

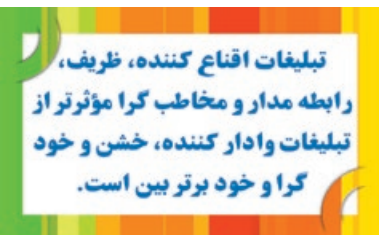
در همین حال آن زن که با پول هایش شوهرم را به دام انداخته بود دو فرزندش را به خانه من می آورد تا مرا عذاب روحی بدهد و من مجبور شوم از سوشا طلاق بگیرم. آن زن حتی در حضور پدر شوهرم عفت کلام را رعایت نمی کرد و از هر ترفندی برای آزار روحی و روانی من استفاده می کرد. از سوی دیگر من خود فرزند طلاق بودم و می دانستم بعد از طلاق چه سر نوشت تلخی در انتظار فرزند نامم خواهد بود اما احساس می کردم برای جبران گذشته دیگر خیلی دیر شده است.

به همین خاطر تصمیم به طلاق گرفتم اما چرا که نمی توانستم این شرایط را تحمل کنم. با این حال می دانم بسیاری از تقصیر ها در مسیر این زندگی متوجه خودم است چرا که من با قهر های بیخود راه را برای نفوذ نادیا باز گذاشتم اما می خواهیم به زنان مطلقه بگوییم زندگی خودشان را بر ویرانه آشیانه یک زن دیگر بنا نکنند و با مر دی ازدواج کنند که حداقل همسرش فوت کرده یا به هر دلیلی طلاق گرفته است.

اکنون دو فرزند کوچک من با روح و روانی آز رده و دلی پر از آشوب سرگردان شده اند به طوری که به یقین آینده خوبی نخواهند داشت حالا هم از زنان جوان خواهش می کنم در زندگی به همسر شان و خواسته های او توجه کنند و محیط خانه را به محلی برای آرامش و شادی تبدیل کنند چرا که هیچ گاه لذت زندگی اول و شیرینی آن تجربه نمی شود و...

شایان ذکر است به دستور سر هنگ محسن باقی زاده حکاک (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) پرونده این زن در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



عکس از آتش نشانان مشهد

فراخوان مسابقه طراحی محور ره‌باغ نسیم

جوایز اول: ۶۰ میلیون تومان
نفر دوم: ۴۰ میلیون تومان
نفر سوم: ۲۰ میلیون تومان

داوران مسابقه:
دکتر سید محسن حبیبی
دکتر محمد سعید ایزدی
دکتر عابدین درکوش
دکتر مریم اسماعیلی
دکتر سید محمد مهدی معینی
مهندس ابوالفضل افشاری
دکتر مرتضی ادیب

آغاز ثبت نام در مسابقه ۱۶ شهریور ۱۳۹۸
مهلت ثبت نام در مسابقه ۳۰ شهریور ۱۳۹۸

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت مراجعه نموده و یا با دبیرخانه مسابقه تماس حاصل فرمایید.
[آدرس تهران: خیابان مقدس اردبیلی | خیابان شادآور | بن بست شادی | پلاک ۶] واحد ۱-۴۳۴۳۱-۰۲۱-۰۲۱
[آدرس مشهد: خیابان هفده شهریور | نبش خیابان هفده شهریور شمالی ۳ | شهرداری منطقه نامن] ۴-۰۷۱-۳۳۶۷۲-۰۵۱-۰۵۱